

Political Culture and its Implications for Development: An Ethnography of Sunni Clergy in Sanandaj

Omid Ghaderzadeh * 

Associate Professor, Political Sociology,
Kurdistan Studies Institute, University of
Kurdistan, Sanandaj, Iran

Introduction

An examination of the orientations and social, cultural, and political activities of the clergy in Kurdistan underscores their active role in the social system. The concept of political culture can help understand the social and political inclinations. According to Tessler (2011), the analysis of political culture entails the examination of the type of participation and practical involvement of people in political and social life, along with their orientations towards diversity and pluralism. Despite the increasing significance of political culture for development as well as social and political participation in Iranian society, there has been a notable absence of research on the political culture of clerics and its implications for social order and change. Considering the pivotal role of religious communities in the collective consciousness of Kurdistan and the interconnection of religion with

- This research was done with the financial support of the General Department of Culture and Islamic Guidance of Kurdistan.

* Corresponding Author: o.ghadezaeh@uok.ac.ir

How to Cite: Ghaderzadeh, O, (2024), "Political Culture and its Implications for Development: An Ethnography of Sunni Clergy in Sanandaj", *Political Strategic Studies*, 13(48), 105-142. Doi: [10.22054/QPSS.2023.72476.3190](https://doi.org/10.22054/QPSS.2023.72476.3190)

ethnicity, identity, and politics, it becomes imperative to examine the role and agency of clerics in instigating social, political, and cultural changes. Focusing on the Sunni clergy in Sanandaj, the present study aimed to understand the clergy's meaning-making system and interpretation of sociopolitical spheres in order to examine the dimensions and types of their political culture and its implications for cultural, social, and political development of Kurdistan Province.

Literature Review

A review of empirical studies reveals a gap in the literature on the connection between religion and the status of Sunni Kurdish clerics, as well as their practical involvement in political and social aspects of their community. It seems that there is no comprehensive study addressing the civic and political activism as well as the political culture of the Sunni clergy in Kurdistan. The present research endeavored to fill this void by adopting an innovative and exploratory approach.

Mark Tessler's typology of political culture orientations stands out due to its integrated nature and its focus on the theoretical literature of political culture, particularly in the context of Islamic countries, thus proving to be more relevant to the current study. Tessler's definition of political culture encompasses both normative and behavioral aspects. The normative or pluralism/diversity dimension involves two variables: support for gender equality and political tolerance. The behavioral or the involvement dimension encompasses interpersonal trust, civic participation, political interest, and political knowledge (Tessler, 2011, p. 172). Moreover, Tessler classifies political culture in Islamic societies into four types: democratic, indifferent, activist, and parochial.

Materials and Methods

The present study used the ethnographic method and the interviews with 40 Sunni clerics in Sanandaj. A combination of theoretical and purposive sampling, along with maximum variation sampling, was used to select a sample of individuals aged from 30 to 65 years. Concerning the data analysis, ethnography adheres to analytical induction and grounded theory as an overarching, useful strategy (Strauss & Corbin, 1990).

Results and Discussion

The interview results made clear that over half of the interviewed clerics did not appreciate alternative thoughts and the benefits of diverse lifestyles. They would not accept pluralism and diversity in political-cultural opinions, nor would they support gender equality. Concerning the involvement dimension, the interviewees exhibited restricted participation in both political and social spheres, and their level of interpersonal trust was notably limited. According to the research results, the political culture orientation of the interviewees can be characterized as limited and parochial.

Conclusion

The interpretive analysis of the political culture of the sampled clerics indicates that the limited political culture is not substantially aligned with development in cultural, social, and political arenas. The limited political culture fails to foster a generalized social capital, multiculturalism, and the openness of civil society. In certain instances, it can impede cultural and social change by hindering the potential for making demands, advocating corrective actions, and pursuing political reform. Considering the influence of lived experience and political opportunities on political culture, it seems necessary to


institutionally recognize Sunni clerics, expand political opportunities, and foster increased openness within institutional and structural channels. These measures can lead to a more inclusive political culture, thus facilitating a shift towards a democratic political culture.

Keywords: Civil and Political Participation, Institutional Recognition, Limited Political Culture, Pluralism, Sunni Clergy



مردم‌نگاری فرهنگ سیاسی عالمان دینی و دلالت‌های آن برای توسعه در کردستان

دانشیار جامعه‌شناسی سیاسی پژوهشکده کردستان‌شناسی دانشگاه کردستان، سنندج،
ایران

امید قادرزاده *  ID

چکیده

این پژوهش از رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی و با روش مردم‌نگاری به بررسی نظام معنایی و تجربه و درک عالمان دینی از ایزه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی یعنی فرهنگ سیاسی عالمان دینی و دلالت‌های آن برای توسعه در کردستان معطوف است. بر اساس روش نمونه‌گیری کیفی هدفمند و با حداکثر تنوع چهار نفر از عالمان دینی شهر سنندج در این مطالعه شرکت کردند. با توجه بنیان‌های پارادایمیک روش‌شناسی کیفی، تفسیر مشارکت‌کنندگان، ماهیت تفریدی داشته و یافته‌های حاصله قابلیت تعمیم‌پذیری ندارد. بر مبنای داده‌های حاصل از مصاحبه، بیش از نیمی از مشارکت‌کنندگان نسبت به پذیرش تکثر گشوده نبودند و از عدالت تناسبی حمایت می‌کردند و مشارکت آنان در زندگی سیاسی و اجتماعی کم‌دامنه و گستره اعتماد اجتماعی آنان محدود بود. بر این اساس، مختصات فرهنگ سیاسی مشارکت‌کنندگان بیش‌تر با «فرهنگ سیاسی محدود» قرابت دارد. ارزیابی تفسیری فرهنگ سیاسی بیانگر این است که فرهنگ سیاسی محدود، همگرایی زیادی با توسعه در ابعاد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ندارد. برای مشارکتی شدن فرهنگ سیاسی، بسط ساخت فرصت‌های سیاسی و بازتصدیق نهادی عالمان دینی اهل سنت ضروری به نظر می‌رسد.

واژگان کلیدی: تکثرگرایی، فرهنگ سیاسی محدود، مشارکت مدنی و سیاسی، تصدیق نهادی، روحانیت اهل سنت.

– این پژوهش با حمایت مالی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی کردستان انجام شده است.

* نویسنده مسئول: o.ghadezaeh@uok.ac.ir

بیان مسأله

عالمان دینی به‌عنوان بخشی از نخبگان سنتی و گروه‌های منزلتی جامعه در پی‌ریزی بنیان‌های نرم‌افزاری نظم و تغییر اجتماعی نقش بسزایی دارند. «روحانیت در میان کردها در گذشته جایگاه خاص خود را داشته است. با توجه به اینکه در آن دوران جامعه کُردی نسبت به برخی از مناطق دیگر کشور از نظر گسترش عمومی سواد در مرتبه پایین‌تری قرار داشت، روحانیت مهم‌ترین قشر باسواد به‌شمار می‌آمد و از این منظر نقش و تأثیر روحانیت اهل سنت در میان کردها بیشتر قابل تأمل خواهد بود. کردها روحانی خود را «ماموستا» خطاب می‌کنند که به معنای عام معلم، استاد و راهنما، دانشمند و روشنفکر است و بیانگر نقش خاص آن در جامعه کُردی است. به‌عبارت دیگر، می‌توان با اندکی تسامح، این نقش‌ها را در کل برای روحانی سنی کُرد، در گذشته در نظر گرفت» (مولودی، ۱۳۹۴).

مساجد از دیرباز به‌عنوان یکی از نهادهای اجتماعی موثر در جامعه کردستان، علاوه بر تربیت دینی، از کارگزاران اصلی جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری به‌شمار می‌روند و به دلیل دشواری‌هایی که بر سر راه تشکیل‌یابی اجتماعی و سیاسی مردم وجود داشته است، مساجد به‌عنوان بدیل نهادهای مدنی و تشکلهای اجتماعی و سیاسی عمل نموده است. از مختصات استان کردستان وجود مساجد محله‌ای است. استان کردستان از لحاظ دارا بودن مسجد، مقام اول کشور را دارد. جایگاه ارزشمند مساجد در بین مردمان کردستان تا حدی است که بیشتر هزینه‌های خیریه مردم استان به ساخت و تجهیز مساجد اختصاص پیدا کرده است. استان کردستان ۲۰۹۶ مسجد دارد که از این تعداد ۳۸۶ مورد در سنندج وجود دارد. سنندج به‌عنوان شهر مساجد و مناره، مهد تولید و ترویج معرفت دینی بوده است. به‌دلیل نقش محوری عالمان شهر سنندج در تولید و ترویج معرفت دینی، از دیرباز این شهر طلبه‌ها و عالمان مشهوری را در خود جای داده است و همین مسئله جایگاه استراتژیکی به شهر سنندج به‌عنوان کانون مراودات اجتماعی و فرهنگی بخشیده است. «جایگاه محوری مساجد در سنندج و وقفی بودن بخش قابل توجهی از مساجد بیش از هر چیز نشان از

۱. واژه «ماموستا» از دو بخش «مام» به معنای دارای سن و سال، تجربه و «وستا» به معنای متبحر و استاد است و به جایگاه ارزشی و علمی قشر روحانیت در کردستان دلالت دارد.

جایگاه اجتماعی عالمان دینی به عنوان یکی از مراجع اقتدار داشته است» (زندى و رحیمی، ۱۳۹۶: ۲).

نگاهی به جهت گیری‌ها و کنش‌ورزی‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی عالمان دینی در کردستان گویای نقش فعالانه آن‌ها در نظام اجتماعی می‌باشد. یکی از مجراهای فهم جهت گیری‌های اجتماعی و سیاسی، مفهوم فرهنگ سیاسی است. «نوع مشارکت و درگیری عملی افراد در زندگی سیاسی و اجتماعی و نوع جهت گیری آنها نسبت به تنوع و تکثر در قالب مفهوم فرهنگ سیاسی مورد بررسی قرار می‌گیرد» (Tessler, 2015: 164). فهم فرهنگ سیاسی عالمان دینی و دلالت‌های آن برای نظم و تغییر اجتماعی از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است که تاکنون پژوهشی در باب آن صورت نگرفته است. اهمیت فرهنگ سیاسی در جامعه ایران هم برای توسعه و هم برای مشارکت اجتماعی و سیاسی و ضرورت مطالعه روز به روز بیشتر می‌شود.

واکاوی و سنخ‌شناسی فرهنگ سیاسی عالمان دینی، دریچه‌ای برای فهم آینده و دورنمای تغییر و تحول اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در کردستان به شمار می‌آید. عالمان دینی در نزد بخش‌هایی از مردمان کردستان با مقبولیت و پذیرش اجتماعی همراه هستند و در جهت‌دهی به کنش‌ها و جهت‌گیری‌های جامعه سهیم هستند و در مواجهه جامعه با مسائل و رویدادهای مختلف، این نقش و کارگزاری نمود بیشتری می‌یابد. با توجه به نقش اجتماعات دینی در وجدان جمعی کردستان و پیوند مذهب با قومیت، هویت و سیاست ضرورت دارد به نقش و کارگزاری روحانیان در تغییر اجتماعی، سیاسی و فرهنگی توجه شود. این پژوهش بدنبال آن است تا با واکاوی نظام معنایی و فهم و تفسیر عالمان دینی از اعیان اجتماعی و سیاسی به واکاوی ابعاد فرهنگ سیاسی و سنخ‌شناسی آن در نزد نمونه‌ای از روحانیت اهل سنت شهر سنندج (به عنوان مرکز استان کردستان) پردازد و دلالت‌های آن را برای توسعه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ارزیابی کند.

پیشینه پژوهش

مروری بر مطالعات تجربی گویای آن است که پیوند مذهب و جایگاه عالمان دینی کرد اهل سنت و مشارکت و درگیری عملی در زندگی سیاسی و اجتماعی این قشر مغفول مانده است. مطالعات موجود نشان‌گر آن است که در خصوص کنش‌ورزی مدنی و سیاسی و

فرهنگ سیاسی این قشر اثرگذار تاکنون مطالعه‌ای به انجام نرسیده است و این پژوهش در این حوزه بدیع بوده و ماهیت اکتشافی دارد و یکی از نقاط قوت این پژوهش نیز تمرکز بر واکاوی فرهنگ سیاسی عالمان دینی اهل سنت است. با این وصف به تعدادی از مطالعات مرتبط با فرهنگ سیاسی که بر روی میدان مورد مطالعه به انجام رسیده است، پرداخته می‌شود:

سجادی و مقصودی (۱۳۹۸: ۷۱۷) در پیمایشی با عنوان «تحلیل روند دگرگونی فرهنگ سیاسی نسل‌های اجتماعی شهر سنندج» با اتکا به مدل نظری و مفهومی آلموند و وربا، پای، اینگلهارت، الازار و روزنباوم و تسلر و گائو به بررسی فرهنگ سیاسی نسل‌های مختلف پرداخته است. بر مبنای نتایج، فرهنگ سیاسی نسل‌های اجتماعی شهر سنندج در حال دگرگونی از فرهنگ سیاسی محدود به دیگر فرهنگ‌های سیاسی از جمله دموکراتیک است. همچنین نسل‌های بزرگ‌سال بیشتر بازنمای فرهنگ سیاسی محدود هستند، اما جوانان در کنار بازنمایی فرهنگ سیاسی دموکراتیک، بیش از نسل‌های میانی فرهنگ‌های بی‌اعتنا و عمل‌گرا را بروز داده‌اند که مطابق با خواسته‌های تئوریک نیست.

خانیکی و سرشار (۱۳۹۱: ۹۱) در پیمایشی به «گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه کردستان» پرداخته‌اند. بر مبنای نتایج، جمعیت مورد مطالعه الگوهای متفاوتی از فرهنگ سیاسی دارند و الگوی غالب در میان آنان الگوی «غیرمشارکتی - اعتراضی» است که در نظریه آلموند و وربا تعریف نشده است. بر مبنای یافته‌ها، از میان عوامل مؤثر بر فرهنگ سیاسی، متغیرهای استفاده از رسانه‌های جمعی، مذهب، قومیت و مقطع تحصیلی تأثیر معناداری بر الگوی فرهنگ سیاسی دارند.

یافته‌های پیمایش احمدی (۱۳۹۰: ۲۲۹) با عنوان «رویکردهای قومی و گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی؛ مطالعه موردی: شهر سنندج» حاکی از وجود فرهنگ سیاسی مستعد دموکراسی در میان مردم سنندج دارد و انتخاب رویکرد متساهلانه قومی در ابعاد سیاسی، فرهنگی و اجتماعی با نوع دموکراتیک فرهنگ سیاسی رابطه معنادار دارد (احمدی، ۱۳۹۰: ۲۲۹).

سازه‌های نظری و مفهومی

از وجوه تمایزبخش پژوهش‌های کمی و کیفی در شیوه بکارگیری و استفاده از نظریه و مفاهیم نظری است. در پژوهش کیفی از نظریه در جهت صورت‌بندی سوالات پژوهش، شناسایی مفاهیم حساس و ارتقای حساسیت نظری که راهنمای مراحل مختلف تحقیق است بهره گرفته می‌شود. بر این اساس با توجه به ماهیت کیفی این مطالعه، سازه‌های نظری و مفهومی مرتبط با ادبیات نظری فرهنگ سیاسی که در صورت‌بندی کلی سوالات، گستره معنایی حوزه مورد مطالعه و استنتاج مقوله‌ها به پژوهش مدد می‌رساند، مرور می‌شود.

الف- فرهنگ مدنی

مطالعات مربوط به پیوند فرهنگ و سیاست یا به عبارتی درگیری مولفه‌های فرهنگی در فرایندهای سیاسی تا پیش از دهه ۶۰ میلادی، اگرچه مورد توجه متفکران حوزه‌های مختلف بود، اما به مثابه متغیر تعیین‌کننده همواره مورد غفلت قرار گرفته یا به صورت غیرمستقیم به آن اشاره می‌شد. کتاب «فرهنگ مدنی»، عموماً به عنوان نخستین مطالعه در حوزه فهم مدرن از فرهنگ سیاسی و منشأ رویکرد فرهنگ سیاسی به‌شمار می‌آید. تا پیش از آن مطالعات حوزه مفهومی فرهنگ سیاسی عمدتاً با عناوین و صورت‌های مختلف از مطالعات فضیلت‌های مدنی تا مطالعات مربوط به منش ملی انجام می‌پذیرفت که با انتقادات نظری و روش‌شناسی همراه بود (احمدی، ۱۳۹۹: ۱۵۴).

آلموند و وربا بعد از جنگ جهانی دوم به‌طور وسیع و عمیق به مطالعه فرهنگ سیاسی در کشورهای اروپایی پرداختند. آن‌ها با استفاده از روش کمی و یک نمونه ۵۰۰۰ نفری در چهارچوب سیاست تطبیقی فرهنگ سیاسی پنج کشور آمریکا، انگلستان، آلمان، ایتالیا و مکزیک را مطالعه کرده‌اند و بر اساس جهت‌گیری افراد به نظام سیاسی، فرهنگ سیاسی این کشورها را طبقه‌بندی کرده‌اند. به نظر آنها فرهنگ سیاسی شامل مجموعه‌ای از تمایلات شناختی، تحلیلی (ارزشیابی) و احساسی است که نسبت به پدیده‌های سیاسی ابراز می‌شود (Almond & Verba, 1963: 14).

آلموند و وربا، انواع فرهنگ سیاسی را بر اساس دو محور تفکیک نموده‌اند: نوع جهت‌گیری‌های فردی نسبت به نظام سیاسی (جهت‌گیری‌های شناختی، احساسی و ارزیابانه) و محور موضوع جهت‌گیری‌ها (اشخاص حاکم، سیاست‌های حکومتی و

ساختارهای حکومتی). آنها با کاربرد سه نوع جهت‌گیری در چهار جنبه از زندگی سیاسی به انواع فرهنگ سیاسی دست پیدا کردند. این چهار جنبه عبارتند از: نظام به‌عنوان یک کل یا رژیم سیاسی، درون‌داده‌ها، برون‌داده‌ها و خود به‌عنوان کنشگر. با توجه به این چهار جنبه، سه نوع فرهنگ سیاسی قابل شناسایی است:

۱- فرهنگ سیاسی محدود (منزوی): در این نوع فرهنگ سیاسی، افراد تنها آگاهی اندکی در مورد حکومت مرکزی دارند؛ سهمی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی ایفا نمی‌کنند و نقش سیاسی خاصی ندارند. در عوض سیاست، اقتصاد و دین را با هم در نظر می‌گیرند. این فرهنگ در توسعه نیافته‌ترین نوع نظام سیاسی ایجاد می‌شود (احمدی، ۱۳۹۹: ۱۶۸).

۲- فرهنگ سیاسی تبعی (تابعیت): در این نوع فرهنگ سیاسی، عاملان کنش سیاسی از وجود نظام سیاسی آگاه هستند، اما نگرش منفعلانه در رابطه با مشارکت در زندگی سیاسی و فرایندهای تصمیم‌گیری دارند. به بیان دیگر، مردم به ظاهر پیگیر موضوعات سیاسی هستند اما از نظر ذهنی و روانی، تعهد و تکلیفی در خود احساس نمی‌کنند و هیچ ورودی یا تأثیری ندارد.

۳- فرهنگ سیاسی مشارکتی: این نوع فرهنگ سیاسی بر اراده شهروندان و اعمال کامل حقوق و تکالیف در تصمیمات سیاسی استوار است. مردم در اجتماع خود فعالند و اغلب در یک یا چند سازمان، داوطلبانه و ارادی عضویت دارند و عموماً خواستار بحث و مناظره پیرامون سیاست هستند (احمدی، ۱۳۹۹: ۱۷۰-۱۷۱).

به باور آلموند و وربا، این دسته‌بندی‌ها در ساختارهای سیاسی متفاوت قابل تفکیک است. در این زمینه، فرهنگ سیاسی محدود، تبعی و مشارکتی به ترتیب با ساختار سیاسی سنتی، اقتدارگرایانه متمرکز و ساختار سیاسی دموکراتیک متجانس‌تر است.

ب- دموکراسی و سنت‌های مدنی

پاتنام در بازسازی فرهنگ سیاسی و احیای فرهنگ سیاسی پژوهشی نقش برجسته‌ای داشته است. او در کتاب «دموکراسی و سنت‌های مدنی»، ایتالیا را مصداق مطالعات خود قرار داد و این پرسش را مطرح نمود که چرا با وجود حاکم بودن ساختار قانونی مشابه بر مناطق شمال و جنوب این کشور، مناطق شمالی آن پیشرفته‌ترند و از حاکمان پاسخگوتری برخوردارند. او در نهایت این نظریه را مطرح می‌کند که مناطق شمالی ایتالیا سرمایه‌های

اجتماعی گسترده‌تر و قوی‌تری نسبت به مناطق جنوبی این کشور دارند. تفاوت در عملکرد این حکومت‌ها با وجود تشکیلات و ترتیبات نهادی یکسان، ناشی از متغیر فرهنگ سیاسی متفاوت نهفته در بافت و زمینه اجتماعی این مناطق می‌باشد (Putnam, 1992: 36).

پ- ارزش‌های بقا و رهاینده

اینگلهارت و ولزل در کتاب «نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی» به مدت سه دهه به مطالعه و تحقیق پیرامون منشا، روند تحول و پیامدهای ارزش‌های انسانی پرداخته‌اند. آنها دو نوع فرهنگ یا نظام ارزشی مادی‌گرا و پسامادی‌گرایانه را از هم متمایز می‌کنند. در نظام ارزشی پسامادی‌گرایانه به ارزش‌های استعلایی بیش از ارزش‌های مادی مانند رفاه و امنیت بها داده می‌شود. شاخص‌های اصلی فرهنگ مادی‌گرا عبارتند از: مبارزه با تورم، گسترش رشد اقتصادی، حفظ ثبات اقتصادی، حفظ نظم، مبارزه با افزایش جرم و جنایت و حفظ و تقویت نیروهای نظامی (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹: ۲۵۰).

موضوع اصلی اینگلهارت و ولزل در رابطه با فرهنگ سیاسی «ارزش‌های ابراز وجود»^۱ یا «ارزش‌های رهاینده»^۲ است. «اصلی‌ترین عامل گذار به دموکراسی در کشورهای غیردموکراتیک و تحکیم آن در کشورهای دموکراتیک، رشد ارزش‌های ابراز وجود است؛ ارزش‌های ابراز وجود دربردارنده تأکید فرامادی‌گرایانه بر آزادی فردی و سیاسی، نگرش به برابری جنسیتی، فعالیت‌های معترضانه شهروندان، تساهل نسبت به آزادی دیگران و تأکید بر رفاه ذهنی هستند که در زندگی منعکس می‌شود» (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹: ۲۵۸).

ت- فرهنگ سیاسی در بستر جوامع اسلامی

گونه‌شناسی مارک تسلر به دلیل ماهیت تلفیقی و ابتدای آن بر ادبیات نظری فرهنگ سیاسی و تمرکز بر فرهنگ سیاسی کشورهای اسلامی، مناسبت بیشتری با موضوع و میدان مورد مطالعه دارد. تسلر فرهنگ سیاسی را شامل جنبه‌های شناختی و کرداری شهروندان می‌داند. جنبه شناختی (تکثرگرایی سیاسی) شامل دو متغیر «اعتقاد به برابری جنسیتی» و «مدارای

1. Self-Experiment Values

2. Emancipative Values

سیاسی» است. جنبه کرداری (درگیری عملی در زندگی اجتماعی و سیاسی) شامل متغیرهای «اعتماد سیاسی»، «مشارکت مدنی»، «علاقه سیاسی» و «دانش سیاسی» است (Tessler, 2015: 165).

تسلر فرهنگ سیاسی در جوامع اسلامی را به چهار نوع تقسیم می‌کند: در «فرهنگ سیاسی دموکراتیک»، افراد عقاید سیاسی متنوع را تحمل می‌کنند، از برابری جنسیتی حمایت و نسبت به سیاست علاقه و شناخت دارند، در زندگی مدنی و جمعی مشارکت نموده و به شهروندان اعتماد دارند. در «فرهنگ سیاسی بی تفاوت»، افراد عقاید سیاسی متنوع را تحمل و از برابری جنسیتی حمایت می‌کنند، اما نسبت به سیاست علاقه و شناخت ندارند، در زندگی مدنی و جمعی مشارکت نمی‌کنند و به شهروندان اعتماد ندارند. این افراد به امور سیاسی یا رفتار دیگران اهمیتی نمی‌دهند. در «فرهنگ سیاسی عمل‌گرا»، افراد عقاید سیاسی متنوع را بر نمی‌تابند و از برابری جنسیتی حمایت نمی‌کنند، اما نسبت به سیاست علاقه‌مندند و در مورد سیاست دانش کافی دارند و در زندگی مدنی و جمعی مشارکت نموده و به شهروندان اعتماد دارند، این افراد خود را با زندگی سیاسی و اجتماعی وفق می‌دهند، اما با افکار آلترناتیو، مزیت‌ها و سبک‌های متنوع زندگی میانه خوبی ندارند. در «فرهنگ سیاسی محدود»، افراد عقاید سیاسی متنوع و مخالف را تحمل نمی‌کنند، از برابری جنسیتی حمایت نمی‌کنند، شناخت و علاقه‌ای نسبت به سیاست ندارند، در زندگی مدنی و جمعی مشارکت نمی‌کنند و به شهروندان اعتماد ندارند (Tessler & Altinoglu, 2004: 28).

تسلر در تحقیقات خود تأثیر و نفوذ اسلام را بر گرایش به دموکراسی مورد بررسی قرار داده است. او با بهره‌گیری از مطالعات تجربی خود در جهان عرب به نقد مطالعاتی می‌پردازد که بر ناسازگاری جهت‌گیری‌های مذهبی و دموکراسی در کشورهای اسلامی پافشاری می‌نمایند. وی نشان می‌دهد که جهت‌گیری‌های مذهبی رابطه مستقیمی با جهت‌گیری‌های فرهنگ سیاسی دارد. دلبستگی‌های مذهبی مانعی بر سر راه حمایت از دموکراسی محسوب نمی‌شود بلکه حمایت از دموکراسی با تحصیلات، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، تجربه مشارکت سیاسی و جنسیت مثبت دارد. «شواهد بسیار ناچیزی وجود دارد دال بر این نظریه که اسلام و دموکراسی ناسازگار هستند. نفوذ مذهب تا حد بسیار

زیادی بستگی دارد به اینکه چگونه و چه کسی آن را تفسیر کند و تبیین‌های فرهنگی که استدلال می‌کنند اسلام دموکراسی را ضعیف می‌کند یا مانع حمایت از آن می‌شود، همراه‌کننده هستند و در تلاش برای فهم عوامل شکل‌دهنده جهت‌گیری‌های دموکراتیک در جهان عرب کم‌ترین استفاده را دارند» (Tessler, 2002: 229-249).

روش تحقیق

از آنجا که این پژوهش بدنبال فهم زیست جهان عالمان دینی سنندج، درک و فهم آنها از جهان اجتماعی و ابژه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است؛ درگیری دست اول با موضوعات و اطلاع‌رسان‌های تحقیق به‌عنوان پیش‌شرط بررسی و کاوش در نظام معنایی و فرهنگی ذهنی عالمان دینی به‌عنوان یک گروه اجتماعی و منزلتی محسوب می‌شود. فرهنگ سیاسی ماهیت چندوجهی دارد هم برگرفته از تجربه زیسته افراد و گروه‌های اجتماعی از درگیری و حشر و نشر با موضوعات، رویدادها و نهادها و کارگزاران سیاسی است و هم ماهیت تاریخی و ساختاری دارد. فهم کلیت یادشده، به میانجی روش مردم‌نگاری که بدنبال توصیف عمیق و مفصل فرهنگ و تجربیات گروه‌ها و اجتماعات مختلف است، مقدور می‌باشد.

مردم‌نگاری از لحاظ لغوی به معنای توصیف مردم است. شیوه‌ای است برای مطالعه مردم در گروه‌های سازمان‌یافته و پایدار که معمولاً به منزله اجتماع یا جوامع شناخته می‌شود. شیوه‌های متمایز زندگی که گروه را مشخص می‌کند، «فرهنگ» آن گروه گفته می‌شود. مطالعه فرهنگ شامل بررسی رفتارها، آداب و رسوم و باورهای آموخته شده و مشترک گروه است (انگروزینو، ۱۳۹۶: ۷). از نظر مردم‌نگاری، تنها شیوه امکان‌پذیر برای مطالعه پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی، مطالعه در عمل و میدان است. مردم‌نگاری یک استراتژی تحقیق است که به مردم‌نگاران اجازه می‌دهد تا فرهنگ و جوامعی که قسمت بنیادین تجربه بشری هستند را مورد بررسی و کاوش قرار دهد (مارچسیون، ۱۳۹۳: ۲۳).

الف- مشارکت‌کنندگان و نمونه‌گیری

مشارکت‌کنندگان در این پژوهش، شامل آن‌دسته از عالمان دینی هستند که در شهر سنندج سکونت دارند. تعداد نمونه در این پژوهش با لحاظ حصول اشباع نظری، ۴۰ نفر می‌باشد

که در فرایند تحقیق حاصل شد. علاوه بر این تلاش شد تا شرط حداکثر تفاوت در نمونه‌های انتخابی رعایت شود. به همین منظور از عالمان دینی با سطوح مختلف تحصیلات، نوع فعالیت، سنوات اجازه و فعالیت در منبر مساجد و ... مصاحبه به عمل آمد. مشارکت‌کنندگان مرد و متأهل و در رده سنی ۳۰ تا ۶۵ قرار دارند. فلذا از دو نوع نمونه‌گیری نظری هدفمند و نمونه‌گیری با حداکثر تنوع بهره گرفته شد.

ب- فنون گردآوری و استراتژی تحلیل داده‌ها

پس از انجام مصاحبه، فرایند مفهوم‌سازی و مقوله‌بندی انجام شد. در این مقاله از روش مشاهده به‌عنوان یک روش تکمیلی در کنار مصاحبه نیمه‌ساخت یافته بهره گرفته شد. از آنجایی که پژوهش کیفی در محیط طبیعی انجام می‌شود، جهت انجام مصاحبه‌ها به عالمان دینی مراجعه شد. اینکه با مشارکت‌کنندگان از نزدیک مصاحبه صورت گرفت باعث حس امنیت و رضایت خاطر از طرف مشارکت‌کنندگان و نیز باعث بدست آمدن اطلاعات تفصیلی گردید. در طی فرایند مصاحبه سؤالات معمولاً به تناسب اشخاص تغییر پیدا کرد و تجربیات متنوع مشارکت‌کنندگان باعث حذف برخی از پرسش‌ها و گاهی ظهور پرسش‌های جدیدی گردید. مدت مصاحبه‌ها از ۸۰ دقیقه شروع و تا ۱۴۰ دقیقه متغیر می‌باشد.

مردم‌نگاری در تحلیل داده‌ها به استقرای تحلیلی و نظریه‌زمینه‌ای به‌مثابه راهبردی عام جهت تحلیل متعهد است و آن را سودمند می‌داند (استراس و کوربین، ۱۳۸۵: ۶۰). پس از پیاده‌کردن مصاحبه‌ها، فرآیند کدگذاری در دو مرحله باز و محوری انجام گردید. یکی از راه‌ها برای حصول پایایی در تحقیقات کیفی استفاده از ورقه ثبت داده‌ها است. در این راستا، داده‌های خام در یک ستون و مفاهیم و مقولات ساخته شده در ستون دیگر قرار گرفت تا فرآیند کدگذاری و مفهوم‌پردازی در معرض دید و قضاوت خواننده قرار گیرد.

پ- قابلیت اعتماد

برای اعتباریابی داده‌های تحقیق از شیوه‌هایی چون استفاده زیاد از نقل قول‌های مشارکت‌کنندگان، تکنیک ممیزی (جهت به دست آوردن توافق صاحب‌نظران مرتبط با فرهنگ سیاسی و افرادی که سابقه پژوهش در مردم‌نگاری داشتند) و کنترل یا اعتباریابی

توسط اعضا (از مشارکت کنندگان خواسته شد تا یافته‌های کلی را ارزیابی کرده و در مورد صحت آن نظر دهند) بهره گرفته شد.

تحلیل و تفسیر یافته‌های میدانی

مردم‌نگاری بدن‌بال واکاوی و ارائه توصیف عمیق از زیست جهان کنشگران است. بر این اساس با رجوع به تجربه زیسته عالمان دینی و پنداشت از ابژه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی به فهم فرهنگ سیاسی آنان در وجوه شناختی و کرداری می‌پردازیم.

الف- وجه شناختی فرهنگ سیاسی

به تأسی از سازه‌های مفهومی و نظری تسلر، فرهنگ سیاسی شامل جنبه‌های شناختی و کرداری است. جنبه شناختی فرهنگ سیاسی، شامل دو متغیر «اعتقاد به برابری جنسیتی» و «مدارای سیاسی» است. تسلر متغیرهای شناختی را با عنوان «تکثرگرایی سیاسی» مقوله‌بندی می‌کند (Tessler, 2015: 166).

* جنسیت و عدالت تناسبی

نوع و پنداشت مشارکت کنندگان نسبت به مقوله برابری جنسیتی، قرابت کامل با رویکرد غالب متفکرین اسلامی دارد. آنها ضمن باور به جوهر مشترک انسانی، تفاوت در حقوق و وظایف را به دلیل تفاوت در طبیعی در جنسیت عنوان می‌نمایند و قائل به نوعی عدالت تناسبی هستند؛ بدین معنا بایستی متناسب با توانایی‌ها، وظایف و حقوق با زن و مرد برخورد شود. «غالب متفکرین اسلامی راه حل نیل به عدالت را نه در یکسان‌سازی زن و مرد، بلکه لحاظ مقدورات و محظورات دو جنس در انجام وظایف و تکالیف می‌دانند» (کلاتتری و فقیه ایمانی، ۱۳۹۳: ۱۳۷).

در اسلام بر عدالت میان زن و مرد تأکید شده است و باید رعایت شود اما، قطعاً برابر نیستند و برابر دانستن آنها اشتباه است (کد ۲۵).

شرع، حقوق و وظایفی را متناسب با توانایی هر یک از این دو جنس تعیین کرده است که عین عدالت می‌باشد؛ من تابع دستورات شرع هستم (کد ۱۸).

خداوند قائل به برابری بین زن و مرد نیست چون آن‌ها را با توانایی‌های برابری خلق نکرده است اما دستور می‌دهد که متناسب با توانایی‌ها، وظایف و حقوق‌شان با آنها برخورد شود؛ به عبارت دیگر باید با هر دو جنس با عدالت برخورد کرد (کد ۳۱).

جدول ۱- کدگذاری محوری برابری جنسیتی

مقوله عمده	خرده مقولات
عدالت تناسبی	نابرابری زن و مرد، برخورد همراه با عدالت، اتکا به قوانین الهی، تفاوت در توانایی‌ها، مراعات وظایف و حقوق دو جنس، تفاوت ذاتی، برخورد متناسب با توان و جنسیت، ضرورت حضور زنان در برخی مناصب، اشتباه بودن برابری، طبیعی بودن نابرابری، خلقت متفاوت، رعایت حقوق، امتناع برابری بدلیل تفاوت‌های ذاتی

* از عدم تصدیق تا آزادی فعالیت احزاب سکولار

یکی از ابعاد فرهنگ سیاسی، مدارای سیاسی است. بر این اساس، موضع و رویکرد مشارکت‌کنندگان نسبت به فعالیت احزاب سکولار مورد بررسی قرار گرفت. رویکرد مشارکت‌کنندگان نسبت به احزاب سکولار در قالب مقوله‌های «عدم تصدیق و مخالفت»، «فعالیت مشروط»، «برخورد احترام‌آمیز» و «آزادی فعالیت» دسته‌بندی گردید.

جدول ۲- کدگذاری محوری مدارای سیاسی

مقوله عمده	خرده مقولات
آزادی فعالیت	آزادی فعالیت، بی دلیل بودن دشمنی، باور به جدایی دین از سیاست، مجاز بودن فعالیت، آزادی عقیده و تبلیغ
برخورد احترام‌آمیز	اخلاق حسنه، مدارا، برخورد با احترام، صلح و مدارا
عدم تصدیق و مخالفت	دشمن دین، مخالفت با افکار و عقاید احزاب سکولار، اهانت به عقاید دینی مردم، دشمنی با الله، مخالفت با دین، اعطای آزادی به معنای دشمنی با الله، بی‌ثمری بحث و گفتگو، ناخرسندی و عدم موافقت با فعالیت، غلط بودن فعالیت، گمراه بودن، اسلام سیاسی، عدم صداقت، بی‌توجهی و بی‌اعتنایی، زیاده‌روی احزاب سکولار
فعالیت مشروط	فعالیت مشروط به عدم توهین به دین و تشویش اذهان عمومی، آزادی فعالیت منوط به عدم تخریب دیگر احزاب و احزاب دینی (حفظ حریم‌ها)، فعالیت مشروط به عدم تحمیل عقاید، عدم تایید فعالیت‌های ضددینی، احترام و برخورد صلح‌آمیز منوط به عدم توهین، پذیرش منوط به عدم اهانت و عدم تحمیل نظرات

تعدادی از مشارکت‌کنندگان، ضمن اذعان به آزادی عقیده، بر این باور بودند که احزاب و جریان‌های سکولار نظیر احزاب و گروه‌های مذهبی بایستی از فرصت برابر بیان افکار و فعالیت برنامه‌های خود برخوردار باشند.

هر چند که مخالف جدایی دین از سیاست هستم و عقاید کاملاً متفاوتی با احزاب سکولار دارم، اما به نظرم تمام احزاب باید آزاد باشند و فعالیت‌های خود را آزادانه انجام دهند (کد ۲).

من محدودیتی برای گروه‌های مختلف قائل نیستم و به نظرم باید این گروه‌ها همچون گروه‌های اسلامی اجازه فعالیت داشته باشند (کد ۹).

برخی دیگر از مشارکت‌کنندگان ضمن مخالفت با احزاب و جریان‌های سکولار، قائل به برخورد همراه با محبت، احترام و مدارا بر طبق سنت نبوی بودند و برقراری روابط حسنه را معجزایی برای تغییر افکار و بازگشت آنها به صراط مستقیم می‌دانستند.

این احزاب به جدایی دین از سیاست اعتقاد دارند و این در دیدگاه اسلامی کاملاً غلط است؛ بنابراین من با فعالیت این احزاب مخالفم و اعتقادی به وجود آنها ندارم. باید با محبت با آنها برخورد کرد تا شاید از مسیر اشتباهی که رفته‌اند بازگردند (کد ۱۴).

من با نظر آنها مبنی بر جدایی دین و سیاست موافق نیستم؛ بنابراین مخالف فعالیت این احزاب هستم. نباید برخورد ناپسندی با این احزاب داشته باشیم؛ ما بر اساس سنت نبوی باید با صلح و مدارا با این گروه‌ها مواجه شویم (کد ۲۶).

تعدادی دیگر از مشارکت‌کنندگان مخالف تصدیق و به رسمیت شناختن جریان‌های سکولار بودند و آنها را دشمن دین خطاب می‌کردند.

من کاملاً مخالف رأی، نظر و فعالیت این احزاب هستم چون، فعالیت آنها به منزله دشمنی با الله و مخالفت با دین است. باید آنها را متوجه اشتباه خود کرده و شکست دهیم. به نظر من دادن آزادی بیان به این گروه‌ها به معنای دشمنی با الله است (کد ۳۰).

مخالف فعالیت این احزاب هستم و به دخالت دین در سیاست به شدت اعتقاد دارم. در طول تاریخ حکومت‌های دینی بسیاری وجود داشته‌اند که در میان مردم‌شان با عدالت برخورد کرده و ظلم و جور را به کنار نهاده‌اند (کد ۱۱).

برخی دیگر از مشارکت‌کنندگان ضمن ابراز مخالفت با عقاید احزاب سکولار، فعالیت این دسته از احزاب و گروه‌ها را منوط به عدم اهانت به سایر گروه‌ها و جریان‌های دینی و مذهبی و عدم تحمیل باورها و افکار خود ذکر می‌کردند و قائل به فعالیت مشروط بودند.

اگرچه با عقاید این احزاب مخالفم و معتقد به گمراهی آنان هستم اما با فعالیت‌شان به شرطی که به دین و مقدسات توهین نکنند و موجب تشویش اذهان عمومی نشوند مشکلی ندارم (کد ۶).

با فعالیت این گروه‌ها مادامی که به عقاید دیگران اهانت نکنند و در پی تحمیل نظر خود نباشند مشکلی ندارم (کد ۲۸).

ب- وجه کرداری فرهنگ سیاسی

از منظر تسلر، وجه کرداری فرهنگ سیاسی شامل متغیرهای «دانش سیاسی»، «علاقه سیاسی»، «اعتماد بین فردی»، «اعتماد سیاسی» و «مشارکت مدنی» است. تسلر متغیرهای کرداری را با عنوان «درگیری عملی در زندگی اجتماعی و سیاسی» مقوله‌بندی می‌کند (Tessler, 2015: 167).

* دانش و آگاهی سیاسی

برای آگاهی از دانش سیاسی (به‌مثابه یکی از ابعاد کرداری فرهنگ سیاسی) رویکرد مشارکت‌کنندگان نسبت به برخی از موضوعات مذهبی - سیاسی را جویا شدم. برای نمونه،

آنها درک روشنی از فلسفه وجودی مجلس خبرگان داشتند اما معتقد بودند که بخشی از رسالت مجلس خبرگان تحقق پیدا نکرده است. دومین موضوع به درک مشارکت کنندگان از فراندوم اختصاص داشت. نیمی از آنها با واژه فراندوم ناآشنا بودند اما پس از ارائه برخی از مصادیق، آن را امری متعارف در دنیای معاصر دانسته و بر این باور بودند که موضوعات مرتبط با منافع عمومی را می‌توان به فراندوم گذاشت.

پیامبر بارها در مورد مسائل مختلف فراندوم برگزار کردند چرا که به آرامش جامعه و حفظ قدرت حکومت کمک می‌کرد؛ بنابراین من هم با فراندوم موافقم. هر چیزی که در دین صراحتاً مورد بحث قرار نگرفته باشد می‌تواند به موضوعی برای برگزاری فراندوم تبدیل شود (کد ۱۹).

فراندوم در هر جامعه‌ای ضروری است و باید انجام شود. آنچه که به نفع عمومی جامعه ارتباط پیدا می‌کند را باید به فراندوم گذاشت (تصمیم‌گیری در مورد رهبر یا هر مسئول دیگر، تصمیم‌گیری در مورد نوع حکومت، تصمیم‌گیری در مورد ارتباطات بین‌المللی کشور و...) (کد ۹).

اکثر مشارکت‌کنندگان از کارکردهای شورای نگهبان مطلع بودند و ضمن اذعان به ضرورت نظارت برای جلوگیری از ورود افراد نالایق به عرصه سیاست، بررسی صلاحیت‌ها بر مبنای ملاک‌های تخصصی را ضروری و بر تأمل در روش انجام آن تأکید می‌نمودند. موضوع بعدی، ارزیابی مشارکت‌کنندگان از عملکرد دولت روحانی بود. آنها به دلیل انتظارات ایجاد شده در دوران تبلیغات و به‌ویژه پس از انتشار منشور حقوق شهروندی، نسبت به عملکرد دولت روحانی ناخرسند و از عدم تحقق وعده‌ها در خصوص اهل سنت گله‌مند بودند.

آقای روحانی برای تشویق اهل سنت و اقلیت‌های قومی به مشارکت در انتخابات وعده‌های بسیاری داد اما به هیچ‌یک از آنها عمل نکرد و روز به روز شرایط را بر مردم سخت‌تر کرد (کد ۱۱).

با نگاهی به مشکلات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی می‌توان نتیجه گرفت که دولت آقای روحانی عملکرد بد و وضعیفی داشته است (کد ۱۴).

روحانی به هیچ یک از وعده‌های خود عمل نکرد: رعایت حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی، رفع تحریم‌ها و گرانی، رفع موانع سیاسی و ... (کد ۳۱).

* علاقه به سیاست

بیش از نیمی از مشارکت‌کنندگان به بحث‌های سیاسی و شرکت در آن علاقه‌مند بودند و در این میان مختصات جامعه و ساختار قدرت که به نوعی سیاست‌زده است را در شدت یافتن بحث‌های سیاسی ذی‌مدخل می‌دانستند.

جو حاکم بر ایران سیاست‌زده است و خواه ناخواه چنین بحث‌هایی در محافل مختلف صورت می‌گیرد. مانند اخبار سیاسی این برنامه‌ها را نیز پیگیری می‌کنم. علاقه دارم و قطعاً مطالعه می‌کنم (کد ۳).

به بحث سیاسی علاقه دارم و اگر فرصتی دست دهد و شرایط مناسب باشد حتماً این کار را می‌کنم (کد ۲۳).

قریب به اتفاق مشارکت‌کنندگان، رویدادها و اخبار سیاسی را از مجراهای مختلف نظیر صدا و سیما، شبکه‌های داخلی و ماهواره‌ای و شبکه‌های اجتماعی رصد و پیگیری نموده و به فراخور زمان و فرصت‌های در اختیار، کتاب و یا نوشتارهای ارائه شده در شبکه‌های اجتماعی را مطالعه نموده‌اند.

قبلاً بیشتر به دیدن چنین برنامه‌هایی علاقه داشتم و از ماهواره و فضای مجازی برای پیگیری آنها استفاده می‌کردم. بسیار علاقه دارم و گاهی مطالعه می‌کنم (کد ۶).

روزانه حدود دو ساعت به تماشای برنامه‌های سیاسی می‌نشینم و از دیدن و شنیدن آنها لذت می‌برم. اگرچه تاریخ را ترجیح می‌دهم اما به مطالعه کتاب‌های سیاسی نیز علاقه دارم و گاهی این کار را می‌کنم (کد ۲۳).

* زوال اعتماد اجتماعی در غیاب بسترهای مقوم‌بخش

اعتماد از اجزای کلیدی روابط اجتماعی و بُعد کیفی روابط اجتماعی به‌شمار می‌آید. بر این اساس از مشارکت‌کنندگان در باب قابل اعتماد دانستن عامه مردم پرسش به‌عمل آمد. یافته‌های حاصله نشان از «زوال اعتماد اجتماعی در غیاب بسترهای مقوم‌بخش» در نزد مصاحبه‌شوندگان دارد.

جدول ۳- کدگذاری محوری اعتماد اجتماعی

مقوله عمده	خرده مقولات
زوال اعتماد اجتماعی؛ زوال اخلاقی و متصف بودن مردم به ویژگی‌ها و ارزش‌های اخلاقی منفی	خودمداری، کلاهبرداری، زوال امانت‌داری بی‌اعتمادی، تسری بدبینی
زمینه‌های ساختاری مقوم بی‌اعتمادی	زوال فرهنگ، مشکلات ساختاری و بی‌اعتمادی

به هنگام پرسش از قابل اعتماد دانستن مردم، عموم مشارکت‌کنندگان افراد جامعه را غیرقابل اعتماد می‌دانستند و نوعی بدبینی و تردید نسبت به مردم بر درک و پنداشت آنان مستولی گشته بود. از منظر آنها ویژگی‌ها و صفات مثبتی چون امانت‌داری، دوستی، خیرخواهی، گذشت، انصاف، احترام و رعایت حقوق یکدیگر و وفای به عهد) در بین مردم حکم کیمیا پیدا کرده است.

مردم اصلاً قابل اعتماد نیستند؛ ترس من از مردم بیشتر از ترس نسبت به پروردگار است. تمام حرکات ما زیر نظر آنها بوده و هر لحظه ممکن است ما را لو داده و یا دردسری ایجاد کنند (۲۷).

مردم بارها من را به دردسر و مشکل انداخته‌اند. به همین دلیل نمی‌توانم به آنها اعتماد کنم (کد ۲۱).

از منظر مشارکت‌کنندگان، بدلیل شرایط ساختاری، جامعه با مشکلات عدیده‌ای روبرو گشته است. این شرایط؛ پیگیری منفعت شخصی، کم‌رنگ شدن همکاری و به تبع آن زوال ارزش‌های اخلاقی مثبت را در پی داشته است:

متأسفانه عملکرد نامناسب مسئولان باعث بی‌اعتمادی شدید در مردم شده است. حتی به نزدیکترین دوستان و افراد زندگی‌ام بی‌اعتماد هستم (۲۰).

مردم به دلیل دست و پنجه نرم کردن با مشکلات بسیاری که در جامعه وجود دارد، حاضر به انجام کار غیراخلاقی و ناپسندی هستند (کد ۴).

* نهادهای مدنی: کارکرد ترمیمی و انسجام‌بخش

یکی از ابعاد کرداری فرهنگ سیاسی، مشارکت مدنی است. بر این اساس، نظر مشارکت‌کنندگان در خصوص مشارکت مدنی و فعالیت انجمن‌ها و نهادهای مدنی مورد بررسی قرار گرفت. جهت‌گیری مشارکت‌کنندگان نسبت به نهادهای مدنی مثبت بود و تجربه و درک آنها در ذیل دو مقوله عمده «کارکرد ترمیمی» و «انسجام اجتماعی» دسته‌بندی شده است.

جدول ۴- کدگذاری محوری مشارکت مدنی

مقوله عمده	خرده مقوله
کارکرد جبرانی	حل مشکلات اجتماعی، خدمات‌رسانی، التیام‌بخشی، خدمات‌رسانی به مردم و دولت، کم‌کردن الام، کمک به بخش رسمی، کم‌کاری دولت، عمل به‌عنوان مسکن
انسجام اجتماعی	خیر عمومی، حمایت از سمن‌ها، کوشا و خادم مردم، مردمی بودن، فعالیت صادقانه و خالصانه، اعتماد اجتماعی، خیر و مصلحت مردم، خیر عمومی، پیشبرد اهداف جامعه، تعهد، اخلاق و وفاداری

بنا به تجربه و درک مشارکت‌کنندگان، نهادهای مدنی در ارائه خدمات و برطرف نمودن مشکلات اجتماعی به مردم و دستگاه‌های حاکمیتی کمک نموده‌اند و نوعی کارکرد ترمیمی و جبرانی را در جامعه عهده‌دار هستند.

حضور این نهادها در دنیای امروز بسیار ضروری است و قطعاً مورد تأیید بنده می‌باشد. این نهادها کم‌کاری‌های حکومت را تا حدودی جبران می‌کنند (کد ۱).

کوتاهی و بی‌مسئولیتی‌های دولت در رفع نیازها و ضعف‌های جامعه باعث ایجاد چنین نهادهایی شده است. این نهادها چون قصد کمک و فعالیت خیرخواهانه دارند محترم و فعالیت‌شان ضروری و با ارزش است (کد ۲۹).

از منظر برخی از مشارکت‌کنندگان، نهادهای مدنی کوشا و خادم مردم و مورد وثوق جامعه می‌باشند و فعالیت‌های آنها به پیشبرد اهداف جامعه، تعهد، اخلاق، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و انسجام اجتماعی کمک کرده است:

به نظر من، معنای تعهد، اخلاق و وفاداری را باید نزد این انجمن‌ها جستجو کرد چراکه بدون چشم‌داشتی به مردم خدمت می‌کنند. بدون تردید وجود آنها در هر جامعه‌ای ضروری است (کد ۳۲).

وجود این نهادها در جامعه نشانه انسان‌دوستی و خیرخواهی برخی افراد نخبه است. این نهادها هدفی جز خدمت و رفع برخی مشکلات ندارند. وجودشان لازم و مایه خیر و برکت می‌باشد (کد ۲۳).

* عضویت انجمنی: از گسست تا روابط موردی

در خصوص ارتباط با نهادهای مدنی و همراهی با فعالیت‌های نهادهای مدنی، بیش از نیمی از مشارکت‌کنندگان فاقد ارتباط با نهادهای مدنی در سه سال اخیر بودند و مابقی ارتباط موردی و مقطعی داشته‌اند.

با این نهادها در ارتباط اما تاکنون زمینه انجام هیچ برنامه‌ای به وجود نیامده است (کد ۱۸).

متأسفانه با این نهادها ارتباط نداشته‌ام اما به صورت فردی فعالیت‌هایی داشته‌ام (کد ۱۱).

بله، من ۱۲ سال است که عضو برخی از این نهادها هستم و خدا را شاکرم که توانسته‌ام برخی خدمات را به مردم ارائه دهم (کد ۲۱).

* مشارکت اجتماعی در عمل

در چند سال گذشته، بدنبال رویدادهایی چون زلزله در کرمانشاه و پاندمی کرونا، کمپین‌هایی برای کمک به نیازمندان در کردستان شکل گرفت. در این خصوص از مشارکت کنندگان خواسته شد تا جهت‌گیری‌ها و اقدامات خود در مواجهه با رویدادهای یاد شده را بازگو کنند. بر مبنای اظهارات، بخش قابل توجهی از آنها در گردآوری کمک‌های مردم مشارکت داشته و مردم را به همراهی دعوت نموده و به فراخور شرایط حتی در مکان‌ها و محل‌های حادثه نیز حضور داشته‌اند و از تریبون مساجد و شبکه‌های اجتماعی برای آگاهی‌بخشی، مشارکت در جمع‌آوری وجوه و وسایل مورد نیاز بهره گرفته بودند:

بله، در جریان زلزله کرمانشاه هم برخی وسایل و وجوه را جمع کردیم و هم به صورت حضوری در آنجا به مردم خدمت کردیم؛ همچنین در مورد بلوچستان کمپینی را ساخته و مردم را جهت امداد به آسیب‌دیدگان با خود همراه کردم. در رابطه با کرونا نیز فعالیت‌هایی داشته و داریم (کد ۱).

در هنگام زلزله شش بار به کرمانشاه سفر کرده و کمک‌های مردمی را به دست زلزله‌زدگان رساندم. در مورد کرونا هم علاوه بر پخش وسایلی چون ماسک، دستکش و الکل، در کانال تلگرامی خود بسیار به مردم هشدار داده و آنها را به رعایت پروتکل‌های بهداشتی تشویق کرده‌ام (کد ۷).

* زوال کارآمدی و فرسایش اعتماد نهادی

یکی از ابعاد فرهنگ سیاسی که بر تجربه و پنداشت افراد از عملکرد کارگزاران نهادی دلالت دارد، اعتماد نهادی است. اظهارات مشارکت‌کنندگان در ذیل مقوله «زوال کارآمدی و فرسایش اعتماد» دسته‌بندی شده است.

جدول ۵- کدگذاری محوری اعتماد سیاسی

مقوله عمده	خرده مقوله
زوال کارآمدی و فرسایش اعتماد	ضعف عملکرد، تبعیض، اختلال در گردش نخبگان، برآورده نشدن خواسته‌ها، فراموشی وعده‌های انتخابات، اشتباه عملکردی برخی از کارگزاران، ضعف خدمات‌رسانی، اشرافی‌گری برخی از مسئولان، ضعف تخصص، کم‌کاری؛ توجیه ناپذیری عملکرد برخی از مسئولان، بی‌اعتمادی، بدبینی

به دلیل ضعف عملکردی و ضعف در خدمات‌رسانی و برآورده نشدن خواسته‌ها، نوعی بدبینی بر افق ذهنی و بیش‌تر مشارکت‌کنندگان نسبت کارگزاران نهادی سایه افکنده است و همین مسأله، فاصله از نهادها و کارگزاران نهادی را در پی داشته است:

توبه فرمایان چرا خود کمتر توبه می‌کنند؟ مسأله آفزاده‌ها کم مسأله‌ای نیست؟ نمی‌توان صحبت از تولید داخلی کرد اما برای خرید ملزومات پیش پا افتاده خانواده به خارج رفت (کد ۱۶).

در چند سال اخیر اعتماد به مسئولان کمتر شده است. انگار مسئولان در دنیای دیگری سیر می‌کنند نسبت به درد و رنج مردم خیلی ملتفت نیستند (کد ۱۸).

به ما مرزداران غیور می‌گویند، هشت سال در جنگ تحمیلی و در نقطه صفر جنگی مردم این خاک را ترک نکردند اما به همین مردم آنچنان که باید اعتماد نمی‌شود؛ چرا من نوعی نتوانم مسئول اداره اوقاف شوم (کد ۳۵).

به دلیل برخی از تبعیض‌هایی که بر ما روا داشته‌اند، اعتماد کردن کار سختی است (کد ۱۳).

ای کاش به کسانی که تجربه و تخصص زیادی ندارند و با فرهنگ و مردمان این منطقه غریبند مسئولیتی واگذار نشود، در عمل هم دیدیم که عملکردشان ضعیف بوده است؛ البته فقط بومی بودن ملاک ما نیست، تخصص و کفایت و مقبولیت هم باید باشد (کد ۱۹).

* ارتباطات نهادی مناسبی و مقطعی

از مشارکت‌کنندگان خواسته شد تا تجربه خود از ارتباط با مسئولان شهر، شورای شهر، نماینده مجلس، مرکز بزرگ، شورای روحانیت و احزاب سیاسی را طی ۵ سال اخیر بازگو نمایند. بر مبنای اظهارات، ارتباطات نهادی مشارکت‌کنندگان در ذیل مقوله «ارتباطات نهادی مناسبی و مقطعی» دسته‌بندی شده است.

جدول ۶- کدگذاری محوری ارتباطات نهادی

مقوله عمده	خرده مقولات
ارتباطات نهادی مناسبی و مقطعی	ارتباط محدود، فقدان ارتباط، محدودیت ارتباط با شهردار و مرکز بزرگ، طرح مشکلات از تریبون مساجد، فاصله‌گیری از مردم
	ارتباط به هنگام ضرورت، ارتباط مقطعی، ارتباط مقطعی نمایندگان و شخصیت‌های سیاسی در ایام انتخابات

اظهارات مشارکت‌کنندگان در خصوص ارتباط با مسئولان محلی و استانی و امکان بیان و انتقال خواسته‌های جمعی موید دشواری دسترسی و مختل شدن روابط نهادی دارد و اکثریت عالمان دینی عمدتاً از تریبون مساجد برای بیان مشکلات و مطالبات اجتماعی بهره می‌گیرند.

ارتباطی با مسئولان و حتی جریان‌های سیاسی مورد نظر شما یعنی اصلاح‌طلبان، اصولگرایان و نداشته‌ام (کد ۳۸).

مشکلات مردم را در قالب پند و اندرز در تریبون‌ها بیان می‌کنیم ولی ارتباط مسقیم (نامه، ملاقات و ...) با مسئولان شهر نداشته‌ایم (۲۰).

در گذشته ارتباطاتی با این نهادها داشتم و مشکلات مردم را با آنها در میان می‌گذاشتم تا حل شود اما الان دسترسی به آنها سخت شده و از آنها قطع امید کرده‌ام (۳۵).

علاوه بر این، نوع روابط با کارگزاران نهادی و مدیران در سطوح مختلف محدود و ماهیت مناسبی و مقطعی به خود گرفته است. آنها از این نوع روابط ابزاری و مقطعی (محدود به ایام انتخابات) ناخرسند بودند.

بله، گاهی در جلساتی ضروری و عمومی و یا در زمان انتخابات با آنها ارتباط داشته‌ام (کد ۵).

بله، نمایندگان و شخصیت‌های سیاسی در زمان انتخابات به ما سر می‌زنند؛ گاهی نیز به مرکز بزرگ دعوت می‌شویم (۲۶).

مسئولین این مراکز همیشه در دوران انتخابات خود را به ما نزدیک می‌کنند و ملاقات‌شان می‌کنیم (۲۵).

*** مشارکت انتخاباتی: مجرای تغییر و ضرورت ارتقای اثربخشی سیاسی**
از منظر برخی از مشارکت‌کنندگان، انتخابات به‌عنوان مجرای تغییر در تحقق خیر عمومی، تغییر رویه‌ها و سیاست‌های کلان، چرخش نخبگان و ممانعت از جناحی شدن سیاست‌سهم است و به امید بهبود شرایط در انتخاب شرکت کرده‌اند:

من در تمام انتخاباتی که در سال‌های گذشته برگزار شده است شرکت کرده‌ام. دلیل آن هم امید به بهبود شرایط موجود و ایجاد تغییراتی چشمگیر بوده است (کد ۱).

به امید اصلاح و تغییر شرایط سیاسی و اقتصادی مداوم در انتخابات شرکت می‌کردم (کد ۱۳).

گهگاهی به امید آنکه اصلاحاتی صورت پذیرد در انتخابات ریاست جمهوری و شورای شهر شرکت داشته‌ام (کد ۱۶).

برخی از کاندیداها و برنامه‌های آنها مورد تأیید من بوده و به آنها رأی داده‌ام (کد ۱۰).

برخی دیگر از مشارکت کنندگان از منظر پیامدی و با سنجه تحقق مطالبات به تأمل در انتخابات و مشارکت در آن می‌پرداختند. این دسته از مصاحبه‌شوندگان به دلیل شایستگی اندک کاندیداها، تحقق پایین مطالبات قومی و مذهبی و کندی اصلاح رویه‌ها، رویکرد ابزاری به موضوعات مذهبی و قومی و فراموشی وعده‌ها، نسبت به اثربخشی سیاسی انتخابات مردد و ارتقای اثربخشی سیاسی را ضروری می‌پنداشتند:

من شخصاً در انتخابات مختلف شرکت کرده‌ام از کاندیداها با سلايق مختلف هم حمايت هم کرده‌ام هرچند همیشه به ما وعده داده‌اند که در کابینه از شایستگان کرد و اهل سنت استفاده می‌کنند اما خلف وعده کرده‌اند (کد ۲۹).

در آستانه انتخابات کاندیداهای مختلف به ما به‌عنوان ماموستا مراجعه می‌کنند؛ انتظار به صحنه آوردن مردم را از ما دارند، قول پیگیری دغدغه‌هایمان را می‌دهند، با دقت هم یادداشت می‌کنند. چه وعده وعیدهایی که نمی‌دهند اما پس از انتخابات فراموش می‌کنند (کد ۱۸).

به نظر شما وقتی در به همان پاشنه سابق می‌چرخد، آیا انگیزه و توجیهی برای رای دادن به این آقایان باقی می‌ماند (کد ۹).

جدول ۷- کدگذاری محوری مشارکت انتخاباتی

مقوله عمده	خرده مقوله
مجرای تغییر	تحقق خیرعمومی، تغییر رویه‌ها و سیاست‌های کلان، تغییر نخبگان سیاسی، پرهیز از جناحی شدن سیاست، امید به اصلاح، بهبود شرایط
ارتقای اثربخشی سیاسی	فراموشی مطالبات، یاس، کم‌توجهی به اقلیت‌ها، مشارکت موردی و مقطعی، کندی تغییر، جناحی شدن سیاست ورزی، ضعف عملکردی، ذیصلاح نبودن برخی از کاندیداها، وعده‌های تحقق‌نیافته، عدم شناخت از کاندیداها، زوال اثربخشی

گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی

لازمه فرهنگ سیاسی دموکراتیک، پذیرش «تکثر و تنوع» و «مشارکت عملی در زندگی سیاسی و اجتماعی» است. بر مبنای شواهد میدانی، مشارکت‌کنندگان در این پژوهش، به جای نگرش‌های برابری‌خواهانه به جنسیت، قائل به عدالت تناسبی بودند. در جامعه امروز نحلّه‌ها و جریان‌های غیرمذهبی و سکولار و گرایش‌های سیاسی متنوعی وجود دارد که بدنبال شناسایی هستند. بیش از نیمی از مشارکت‌کنندگان، جهت‌گیری‌ها و نظرات متنوع عقیدتی و سیاسی در جامعه را به رسمیت نمی‌شناختند. از این‌رو شواهد دالّ بر ناهمراهی با تکثر در نزد مشارکت‌کنندگان، بیشتر از مسامحه و پذیرش تنوع و تکثر بود و نمودهایی از آن در بیش از دوسوم مشارکت‌کنندگان مشهود بود.

مشغولیت و درگیر شدن عملی در زندگی سیاسی و اجتماعی نشان از مشارکت‌پذیری، برون‌گرایی، بسط تعلقات اجتماعی و گسترش میدان تعاملاتی افراد جامعه دارد. یکی از وجوه مشغولیت در زندگی سیاسی و اجتماعی، «اعتماد اجتماعی و بینافردی» است. از منظر مشارکت‌کنندگان، بدلیل غیاب بسترهای ساختاری مقوم اعتماد اجتماعی، ارزش‌های اخلاقی مثبت در میان مردم رو به افول گراییده است و از این‌رو افراد جامعه را غیر قابل اعتماد می‌پنداشتند. «اعتماد به نهادها و کارگزاران نهادی» به‌مثابه دومین وجه مشغولیت سیاسی و اجتماعی، در نزد مشارکت‌کنندگان دچار فرسایش شده بود و عملاً ارتباط عالمان دینی مورد مطالعه با بخش نهادی مختل و به‌جای تداوم، صبغه مقطعی و مناسبتی پیدا کرده بود.

وجه سوم مشغولیت سیاسی و اجتماعی، «مشارکت اجتماعی و مدنی» است. هرچند بخشی از مشارکت‌کنندگان در کمپین‌های مبارزه با کرونا و یا در گردآوری کمک به مردم زلزله‌زده کرمانشاه مشارکت و نیز در مناطق زلزله‌زده حضور پیدا کرده بودند، با این وصف، عملاً نیمی از آنها از فعالیت‌های مدنی و اجتماعی و سیاسی کناره گرفته بودند. در خصوص عضویت و همراهی در سازمان‌های مردم‌نهاد، برخی از مشارکت‌کنندگان از تجربه پیوند و ارتباط با نهادهای مدنی برخوردار بودند؛ اما بیش از نیمی از آنها فاقد ارتباط با نهادهای مدنی بودند.

چهارمین وجه مشغولیت عملی در زندگی سیاسی و اجتماعی، «علاقه به سیاست» است؛ اینکه مشارکت عالمان دینی در مباحث سیاسی چگونه است؟ چگونه و از چه مجرای رویدادهای سیاسی را پیگیری می‌نمایند و تا چه اندازه به مطالعه کتاب‌های سیاسی علاقمند هستند؟ علی‌رغم بهره‌مندی نیمی از عالمان دینی مورد مطالعه از دانش و اطلاعات سیاسی، علاقه سیاسی در نزد آنان شدت قابل توجهی نداشت. نیمی از آنها رغبتی به مشارکت در گفتگوهای معمول سیاسی در محافل غیر رسمی و علاقه‌ای به موضوعات سیاسی و رصد آن نداشتند.

با لحاظ ابعاد دوگانه فرهنگ سیاسی (پذیرش تکثر و مشغولیت در زندگی سیاسی و اجتماعی) می‌توان استنباط نمود که به دلیل اقبال اندک عالمان دینی مورد مطالعه از تنوع و تکثر و مشغولیت محدود در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی، مختصات فرهنگ سیاسی عالمان دینی از «فرهنگ سیاسی دموکراتیک» فاصله داشت؛ هر چند در اظهارات سه نفر از مشارکت‌کنندگان (جوان و با تحصیلات دانشگاهی)، جهت‌گیری‌های شناختی و کرداری معطوف به فرهنگ سیاسی دموکراتیک وجود داشت.

از منظر مارک تسلر، افراد و گروه‌هایی که جهت‌گیری «فرهنگ سیاسی عمل‌گرایانه» دارند، تکثر را بر نمی‌تابند اما در زندگی مدنی و سیاسی فعال هستند. در واقع این افراد عموماً افرادی با دیدگاه ایدئولوژیک هستند که علی‌رغم مشارکت سیاسی و اجتماعی، مشروعیتی برای دیدگاه‌ها و سبک‌های متنوع زندگی قائل نیستند (احمدی، ۱۳۹۲: ۳۳۵). در پاسخ به این پرسش که تا چه حد می‌توان فرهنگ سیاسی مشارکت‌کنندگان را از نوع «فرهنگ سیاسی عمل‌گرا» نامید؟ باید گفت به جهت ناهمراهی مشارکت‌کنندگان با تکثر

و مشارکت محدود در زندگی سیاسی و مدنی، فرهنگ سیاسی مشارکت‌کنندگان از فرهنگ سیاسی عملگرا فاصله داشت. همچنین با نظر به داده‌های حاصل از مصاحبه، علی‌رغم آنکه حدود دوسوم مصاحبه‌شوندگان، مشارکت و مشغولیت محدودی در زندگی سیاسی و اجتماعی داشتند، اما از آنجا که شواهد دال بر تکثرگرایی در اظهارات مشارکت‌کنندگان کمتر از مشغولیت عملی آنان در زندگی سیاسی و اجتماعی بود، نمی‌توان فرهنگ سیاسی مشارکت‌کنندگان را در ذیل «فرهنگ سیاسی بی‌تفاوت» تعریف و دسته‌بندی نمود.

از منظر مارک تسلر، افرادی که جهت‌گیری «فرهنگ سیاسی محدود» دارند، تکثر و تنوع را بر نمی‌تابند و مشارکتی در زندگی اجتماعی و سیاسی ندارند و نسبت به عموم شهروندان نیز بی‌اعتماد هستند. بر مبنای داده‌های میدانی، بیش از دوسوم از مشارکت‌کنندگان در این پژوهش به لحاظ سیاسی و اجتماعی منزوی بودند و مشارکت مناسبی و مقطعی در زندگی اجتماعی و سیاسی داشتند. به جهت پذیرش اندک تکثر و تنوع و مشغولیت و مشارکت محدود در زندگی سیاسی و اجتماعی، فرهنگ سیاسی مشارکت‌کنندگان با مختصات «فرهنگ سیاسی محدود» قرابت دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

فرهنگ سیاسی به‌مثابه یک سازه چندوجهی دربردارنده کنشگری فردی و اجتماعی، تجارب زیسته اجتماعی و سیاسی و نوع مناسبات نیروهای اجتماعی با خرده نظام‌های چهارگانه نظام اجتماعی، جهان‌بینی اجتماعی و رویکرد نیروهای اجتماعی به ابژه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در یک بستر تاریخی است. به میانجی این سازه مفهومی می‌توان در باب جایگاه و نوع اثرگذاری نیروهای اجتماعی (از جمله عالمان دینی) در نظم و تغییر اجتماعی قضاوت نمود. هر چند نمی‌توان این واقعیت را انکار نمود که عالمان دینی، قشر و گروهی یکدست نیستند و در درون این قشر، تنوع زاید الوصفی وجود دارد.

این پژوهش در چارچوب روش‌شناسی کیفی و با توسل به روش مردم‌نگاری، با ورود به نظام معنایی و زیست جهان نمونه‌ای از عالمان دینی شهر سنندج و درک و تفسیر آنان از ابژه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی به ارزیابی تفسیری فرهنگ سیاسی عالمان دینی و

دلالت‌های آن برای توسعه پرداخته است. این مطالعه ماهیت اکتشافی دارد. با توجه به مبانی فلسفی - پارادایمی روش‌شناسی کیفی و روش مورد استفاده، درک و تفسیر مذکور بر خلاف رویکرد اثبات‌گرایانه و روش‌شناسی کمی مبتنی بر آن، ایدئوگرافیک^۱، بستر-حساس و دارای تعمیم‌پذیری تحلیلی و استنباطی است. تبیین ایدئوگرافیک نوعی از تبیین مورد استفاده در علوم اجتماعی تفسیری است که در آن تبیین عبارت است از یک توصیف ضخیم یا تصویری با جزئیات خاص اما با درجه انتزاعی محدود درباره یک موقعیت یا میدان اجتماعی است. بر این اساس با توجه به مبانی فلسفی - پارادایمی روش‌شناسی کیفی و روش مورد استفاده (مردم‌نگاری)؛ درک و تفسیر مشارکت‌کنندگان، ماهیت ایدئوگرافیک و تفریدی دارد و یافته‌های حاصل از یک نمونه خاص و محدود، قابلیت تعمیم‌پذیری به جامعه عالمان دینی را ندارد.

بر مبنای شواهد میدانی و با نظر به وجوه شناختی و کرداری فرهنگ سیاسی می‌توان استنباط نمود که فرهنگ سیاسی مشارکت‌کنندگان در این پژوهش از مختصات «فرهنگ سیاسی مشارکتی» فاصله دارد. فرهنگ سیاسی دموکراتیک، پیش‌درآمد و مقوم مشارکت سیاسی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و سیاسی، مطالبه‌گری و جهت‌گیری‌های رفرمیستی است. فرهنگ سیاسی دموکراتیک، مشارکت‌محور است و با زوال آن جهت‌گیری‌های سیاسی در وجه همراهانه، انتقادی و رفرمیستی زوال می‌یابد.

با نظر به شاخص‌های توسعه اجتماعی نظیر فعالیت مدنی، باشگاه‌ها و انجمن‌ها، انسجام بین‌گروهی، اعتماد و امنیت بینافردی، برابری جنسیتی و ادغام اقلیت‌ها (فاضلی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۵۵). به دلیل عدم حمایت از برابری جنسیتی، باور به زوال اخلاقی و متصف بودن مردم به ویژگی‌ها و ارزش‌های اخلاقی و اعتمادناپذیر دانستن عامه مردم، کم‌دامنگی شعاع تعاملاتی و مقطعی و مناسبتی بودن مشارکت اجتماعی و مدنی، مختصات فرهنگ سیاسی مشارکت‌کنندگان در این پژوهش نمی‌تواند پیش‌ران و تسهیل‌گر توسعه اجتماعی در میدان مورد مطالعه شود. بیش از نیمی از مشارکت‌کنندگان فاقد ارتباط و پیوند با نهادهای مدنی بودند.

اعتماد اجتماعی، مشارکت مدنی و اجتماعی ابعاد اصلی سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند. با سایه افکندن تردید بر افق ذهنی و کرداری مشارکت‌کنندگان نسبت به عامه مردم و شدت نداشتن مشارکت اجتماعی و مدنی آنان می‌توان استنباط نمود که سرمایه اجتماعی تعمیم‌یافته (بین‌گروهی) در نزد نمونه‌های مورد بررسی شدت قابل توجهی ندارد. بی‌گمان با زوال سرمایه اجتماعی تعمیم‌یافته و تک‌واره شدن هویت اجتماعی، تأثیرگذاری اجتماعی عالمان دینی در جامعه به‌عنوان یکی از کارگزاران توسعه محلی و اجتماعی به محاق می‌رود.

کم‌دامنگی ارتباطات نهادی و زوال اعتماد نهادی، مشارکت در ساحت سیاسی، پیگیری مطالبات و امید به رفرم سیاسی را در نزد آنان کم‌رنگ می‌سازد. عالمان دینی مورد مصاحبه از اینکه در عرصه‌های تصمیم‌گیری مشارکت داده نمی‌شوند و از ظرفیت آنها در مناصب مدیریتی بهره گرفته نمی‌شود، ناخرسند بودند. پنداشت یاد شده، بدبینی و بیگانگی سیاسی را در نزد نحله‌ها و اجتماعات دینی و پیروان آنها تشدید می‌نماید. «بی‌جهت نیست که در میان نحله‌ها و جریان‌های مذهبی فعال در کردستان، جماعت دعوت و اصلاح جزء معدود جریان‌های مذهبی است که در کنار فعالیت‌های دینی، فرهنگی و تربیتی، قائل به کنش‌ورزی سیاسی در چارچوب جمهوری اسلامی است» (قادرزاده و محمدی، ۱۳۹۶: ۱۴۳). اعتماد سیاسی، آزادی اندیشه و عقیده و مشارکت سیاسی، پیش‌نیاز و مقوم توسعه سیاسی هستند که در غیاب و یا تضعیف مولفه‌های یاد شده، توسعه سیاسی نیز به مخاطره می‌افتد.

در شرایط فعلی جامعه ایران و کردستان که با تکثر گروه‌بندی‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و تنوع ذائقه‌ها و زیست‌جهان‌های اجتماعی روبرو است، زوال تکثرگرایی در نزد مراجع اقتدار، فضای مفاهمه، گفتگو، هم‌فهمی و دیگرفهمی را به‌عنوان ارکان توسعه فرهنگی تضعیف می‌نماید و آستانه تحریک‌پذیری را بالا می‌برد و جامعه را با خطر چندپارگی روبرو می‌سازد. موضع‌گیری و مقاومت برخی از عالمان دینی در برابر رویدادهای فرهنگی، نظیر برگزاری مراسم پیرشالیار، نوروز و جشن انارانه در این چارچوب قابل تفسیر است.

به دلیل زوال حمایت نهادی و شکنندگی حمایت اجتماعی، اعتماد اجتماعی مشارکت کنندگان در وجه افقی (اعتماد به مردم) و عمودی (اعتماد به سلسله مراتب نهادینه رسمی) تنزل یافته است. در غیاب اعتماد افقی و عمودی، ارتباط و پیوند عالمان دینی با بدنه جامعه (از جمله با کنشگران جامعه مدنی) و با مراکز علمی و نهادی و اجرایی کم دامنه شده است و به تبع آن مدارای فکری، عقیدتی، کرداری و سیاسی آنان تضعیف شده است.

با نظر به شواهد میدانی، مختصات فرهنگ سیاسی عالمان دینی مورد مصاحبه با «فرهنگ سیاسی محدود» قرابت بیشتری دارد. کنشگری عالمان دینی در زندگی سیاسی محدود می‌باشد. ارزیابی تفسیری فرهنگ سیاسی نمونه‌های مورد بررسی بیانگر این است که فرهنگ سیاسی محدود، همگرایی زیادی با توسعه در ابعاد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ندارد و به بسط سرمایه اجتماعی تعمیم یافته، چندفرهنگ‌گرایی و گشودگی جامعه مدنی نمی‌انجامد و در مواردی مانع تغییر فرهنگی و اجتماعی در میدان مورد مطالعه است و امکان مطالبه‌گری، کنش‌های اصلاحی و امید به رفرف سیاسی را زایل می‌نماید. با نظر به تأثیرپذیری فرهنگ سیاسی از تجارب زیسته و ساخت فرصت‌های سیاسی، بازتصدیق نهادی عالمان دینی اهل سنت، بسط ساخت فرصت‌های سیاسی و گشودگی فزاینده معجاری نهادی و ساختاری برای دربرگیرنده شدن فرهنگ سیاسی و چرخش به سوی فرهنگ سیاسی مشارکتی ضروری به نظر می‌رسد. جهت‌گیری سیاست‌گذاری و راهبردهای کلان مدیریتی در حوزه اهل سنت باید با مشارکت خود اهل سنت و با رویکردی کارآمدتر با رعایت اصل انصاف، عدالت و رفع نابرابری منتج به احساس محرومیت و لحاظ ظرفیت‌های قانون اساسی کشور، تدوین، اجرایی و عملیاتی شود (ترابی و مجیدی، ۱۳۹۳: ۲۷).

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Omid Ghaderzadeh



<https://orcid.org/0000-0002-5992-0579>

منابع

- احمدی، یعقوب، (۱۳۹۰)، «رویکردهای قومی و گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی؛ مطالعه موردی: فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران»، ۴(۱۶): ۲۵۶-۲۲۹، شهر سندج»،
<https://doi.org/10.7508/ijcr.2011.16.009>.
- احمدی، یعقوب، (۱۳۹۹)، بنیان‌های فرهنگی سیاست: فرهنگ سیاسی، سیاست هویت و توسعه سیاسی، تهران: نشر کویر.
- استراس، آنسلم، جولیت کوربین، (۱۳۸۵)، اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها، ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- انگروزینو، مایکل وی، (۱۳۹۶)، درآمدی بر مردم‌نگاری؛ نحوه انجام تحقیق‌های یا مشاهده‌ای و مردم‌نگارانه، ترجمه جبار رحمانی و محمد رسولی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- اینگلهارت، رونالد، ولزل، کریستین، (۱۳۸۹)، نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی، ترجمه یعقوب احمدی، تهران: نشر کویر.
- پاتنام، رابرت، (۱۳۹۲)، دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: جامعه‌شناسان.
- ترابی، یوسف، یوسفعلی، مجیدی، (۱۳۹۳)، «بررسی چگونگی مدیریت شکاف‌های قومی در کردستان جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۳(۱۱): ۲۹-۹.
- خانیکی، هادی، سرشار، حمید، (۱۳۹۱)، «گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه کردستان»، پژوهش سیاست نظری، ۶(۱۱): ۱۳۰-۹۱.
- زندی، نادر و رحیمی، سودابه، (۱۳۹۶)، «کندوکاوی در نحوه شکل‌گیری و گسترش اولین مساجد شهر سندج»، ماهنامه شبک، ۳(۴): ۱۲-۱.
- سجادی، غریب، مقصودی، مجتبی، (۱۳۹۸)، «تحلیل روند دگرگونی فرهنگ سیاسی نسل‌های اجتماعی شهر سندج»، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۸(۴): ۷۱۷-۷۴۴،
 Doi: 10.22059/JISR.2019.272851.800.
- فاضلی، محمد، فتاحی، سجاد، زنجان رفیعی، سیده نسترن، (۱۳۹۲)، «توسعه اجتماعی، شاخص‌ها و جایگاه ایران در جهان»، مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی، ۲(۱): ۱۷۱-۱۴۹.
- فادرزاده، امید، محمدی، بهروز، (۱۳۹۶)، «کنشگری سیاسی اسلام‌گرایان در کردستان (مطالعه کیفی جماعت دعوت و اصلاح)»، مجله جامعه‌شناسی ایران، ۳ (۱۸)، ۱۶۷-۱۴۳،
 Doi: 20.1001.1.17351901.1396.18.3.6.8.
- کلاتری، عبدالحسین، فقیه ایمانی، فاطمه، (۱۳۹۳)، «فرا تحلیل پژوهش‌های انجام شده درباره نابرابری جنسیتی»، زن در فرهنگ و هنر، ۵(۱): ۱۴۲-۱۲۵.

Doi:10.22059/jwica.2013.30355.

- گل محمدی، احمد، (۱۳۸۶)، «درآمدی بر تبیین فرهنگی سیاست (نگاهی به رهیافت فرهنگ سیاسی در علم سیاست)»، فصلنامه پژوهشنامه علوم سیاسی، ۲(۲): ۱۵۳-۱۳۱.
- مارچسیون، جولیان ام، (۱۳۹۳)، مردم‌نگاری، طراحی، هدایت و ارائه تحقیق، ترجمه قاسم حسینی، تهران: جامعه‌شناسان.
- مولودی، عبدالعزیز، (۱۳۹۴)، «بررسی مشکلات درونی و بیرونی حوزه‌ها و روحانیت اهل سنت کرد»، قابل دسترسی در: <http://eslahe.com/14536>.

References

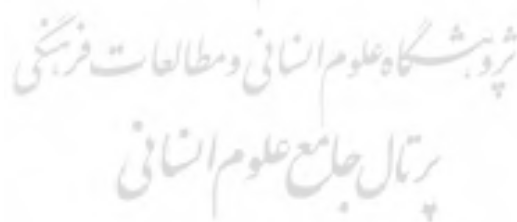
- Almond, Gabriel. A. & Verba, Sidney, (1963), *The Civic Culture: Political Attitudes and Democracy in Five Nations*, New Jersey: Prinction University Press.
- Tessler, M, (2015), *Islam and Politics in the Middle East: Explaining the Views of Ordinary Citizens*, Bloomington: Indiana University Press
- Tessler, M. & Altinoglu, E, (2004), "Political Culture in Turkey: Connections Among Attitudes Toward, Democracy, The Military and Islam", *Democratization*, 11(1), 22-51, DOI:10.1080/13510340412331294122.
- Tessler, M, (2002), "Do Islamic Orientations Influence Attitudes toward Democracy in the Arab World? Evidence from Egypt, Jordan, Morocco, and Algeria", *International Journal of Comparative Sociology*, 43(3-5), 222-249, <https://doi.org/10.1177/002071520204300302>.

In Persian

- Ahmadi, Yaaghob, (2012), "Ethnical Approaches and Typology of Political Culture; Case Study: Sanandaj City", *Journal of Iranian Cultural Research*, 4(4): 229-256, Doi: 10.7508/ijcr.2011.16.009.
- Ahmadi, Yaaghob, (2020), *Cultural Foundations of Politics: Political Culture, Identity Politics and Political Development*, Tehran: Kavir Publication.

- Angrosino, Michael V, (2007), *Doing Ethnographic and Observational Research*, Translated by Jabar Rahmani and Mohamad Rasuli, Tehran: Institute for Culture, Art and Communication.
- Fazeli, Mohamad., Fatahi, Sajad & Zanjaniirafii, S.Nastaran, (2013), "Social Development, Indicators and Iran's Position in the World", *Quarterly Journal of Socio-Cultural Development Studies*, 2(1):149-171.
- Ghaderzadeh, Omid & Mohamadi, . ehro' , (2017), "Political Action among Islamists in Kurdistan (A Qualitative Study of Iranian Call and Reform Organization)", *Iranin Journal of Sociology*, 3(18):143-167, Doi: 20.1001.1.17351901.1396.18.3.6.8.
- Golmohamadi, Ahmad, (2007), "An Introduction to the Cultural Explanation of Politics (A Look at the Approach of Political Culture in Political Science)", *Journal of Political science Association*, 2(2):131-153.
- Inglehart, Ronald & Welzel, Christian, (2005), *Modernization, Cultural Change, and Democracy: The Human Development Sequence*, Translated by Yaaghob Ahmadi, Tehran: Kavir Publication.
- Khaniki, Hadi & Sarshar, Hamid, (2012), "Categorizing the Political Culture; Case Study of the Students of Kurdistan University", *Journal of Research in Theoretical Politics*, 6(11):91-130.
- Kalantari, Abdolhosein & Faghih Imani, Fatemeh, (2013), "Meta-Analysis of Conducted Researches about Inequality of Genders", *Journal of Women in Culture and Art*, 5(1):125-142, Doi: 10.22059/jwica.2013.30355.
- Mavlodi,Abdolaziz, (2015), "Investigating the Internal and External Problems of Sunni Clerics and Hawzhas", available at: <http://eslahe.com/14536>.
- Murchison, Julian M, (2010), *Ethnography Essentials: Designing, Conducting, and Presenting Your Research*, Translated by Ghasem Hasani, Tehran: Jameeshenasan Publication.

- Putnam, Robert D, (1992), *Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy*, Translated by Mohamadtaghi Delforozi, Tehran: Jameeshenasan Publication.
- Sajadi, Gharib & Maghsoud, Mojtaba, (2020), "The Analysis of Change Trend in Political Culture among Social Generations in Sanandaj City", *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 8(4):717-744. https://jisr.ut.ac.ir/article_74883.html?lang=en, Doi:10.22059/JISR.2019.272851.800
- Strauss, Anselm & Corbin, Juliet, (1990), *Basics of Qualitative Research: Grounded Theory Procedures and Techniques*, Translated by Beyok Mohammadi, Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies.
- Torabi, Yousof & Majidi, Yousofali, (2015), "Managing the Ethnic Gaps in Kordestan of Iran", *Journal of Political Strategic Studies*, 3(11), 9-29, https://qpss.atu.ac.ir/article_970.html?lang=en.
- Zandi, Na' r& Rahimi, Sodabe, (2017), "An Exploration of the Formation and Expansion of the First Mosques in Sanandaj", *Shabak Magazine*, 3(4), 1-12, <https://sid.ir/paper/514706/fa>.



استناد به این مقاله: قادرزاده، امید، (۱۴۰۳)، «مردم‌نگاری فرهنگ سیاسی عالمان دینی و دلالت‌های آن برای توسعه در کردستان»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۱۳(۴۸)، ۱-۱۲، ۱۴۲.

Doi: 10.22054/QPSS.2023.72476.3190



Quarterly of Political Strategic Studies is licensed under a Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International License